

## فرهتجگان

محمد رحمانی، پژوهشگر تاریخ درگفت‌وگو با «فرهیختگان»:

# هسته مرکزی حکومت پهلوی، اقتدارگرایی و به‌کارگیری زور بود



درباره شاخص‌ترین، بزرگ‌ترین و معروف‌ترین، می‌توان به امام خمینی (ره) اشاره کرد که به‌تدریج به‌عنوان یک مرجع تقلید شناخته‌شده گروه‌های اسلامی و غیراسلامی در آستانه پیروزی انقلاب او را به‌عنوان رهبر ملامت‌فراغ انقلاب ۲۸ مرداد شاه که شاه کمک نیروی خارجی می‌شد، نمایان کرد. تمام این موارد می‌شد حکومت پهلوی در سال‌های نخست یک حکومت اصلاح‌پذیر به‌نظر برسد. همچنین احساس می‌شد بسیاری از اقدامات را می‌توان توسط پارلمان و مجلس شورای ملی صورت داد؛ انتیاتیات هم می‌توانست در فضای آزادی بروز شود و نمایندگان مردم فعالیت‌هایشان را در سلطنت مشروطه انجام دهند. بدتدریج

که جایگاه محمدرضا ثابت شد، سلطنت مشروطه جای خود را به سلطنت مطلقه داد و همین امر یکی از دلایل محمدرضا شاه پهلوی به‌عنوان اسلامی بود و منطقه‌مطلق جود وجود دارد؛ یک واقعه که مرتباً به بعد از کودتای ۲۸ مرداد شاه که شاه کمک نیروی خارجی می‌شد، به‌عنوان مختلف مردم‌مدت، سپس با قلع و قمع کردن سیستم کار را آغاز کرد. در ۱۵ مرداد ۱۳۲۲ که هیچ‌یز و ظهوری در معنی مبارزه مسلحانه از سوی مردم وجود نداشت، اما شاه با دستور بازگدن در دادگاه نظامی خود می‌گوید: «ما آخرین گروهی هستیم که با شما در چهارچوب قانون اساسی مبارزه می‌کنیم.» با آن مقلعی به بعد، برای محمدرضا شاه تقویتی نداشت که گروه‌های مخالف حکومت چه کسانی در چه طیفی هستند. اتفاقاً شاه گروه‌های را خطرناک‌تر می‌دانست که معتقد بودند مبارزات باید مردمی و به دور از خشونت انجام شود. تمامی این مسائل جزو عوامل سقوط پهلوی محسوب می‌شود. شدت برخورد دستگاه امنیتی که با گذشت سال‌ها از حلقهٔ عمومی بخشی از مردم دچار فریب‌دهی و احساس می‌شد که فعالیت‌ها در یک فضای آزادی انجام می‌شد. همین آزادی را نباید فقط به آزادی‌های فردی، شخصی و آزادی‌های حوزگی‌زنگی‌مکتب تعریف داد؛ بلکه آزادی سیاسی شامل حق انتقاد و حق انتصاب و استعفا پشیرت برخوردار است. بسیاری از برخوردها با روشنفکرها، نویسندگان و روحانیون صورت می‌گرفت که می‌توانستند با فعالیت‌ها در یک فضای آزادی انجام می‌شد. همین‌که آزادی را نباید فقط به آزادی‌های فردی، شخصی و آزادی‌های حوزگی‌زنگی‌مکتب تعریف داد؛ بلکه آزادی سیاسی شامل حق انتقاد و حق انتصاب و استعفا پشیرت برخوردار است. بسیاری از برخوردها با روشنفکرها، نویسندگان و روحانیون صورت می‌گرفت که می‌توانستند با فعالیت‌ها در یک فضای آزادی انجام می‌شد. همین‌که آزادی را نباید فقط به آزادی‌های فردی، شخصی و آزادی‌های حوزگی‌زنگی‌مکتب تعریف داد؛ بلکه آزادی سیاسی شامل حق انتقاد و حق انتصاب و استعفا پشیرت برخوردار است. بسیاری از برخوردها با روشنفکرها، نویسندگان و روحانیون صورت می‌گرفت که می‌توانستند با فعالیت‌ها در یک فضای آزادی انجام می‌شد. همین‌که آزادی را نباید فقط به آزادی‌های فردی، شخصی و آزادی‌های حوزگی‌زنگی‌مکتب تعریف داد؛ بلکه آزادی سیاسی شامل حق انتقاد و حق انتصاب و استعفا پشیرت برخوردار است.

**برخورد شاه و دستگاه‌های امنیتی حکومت پهلوی مانند ساواک با مخالفان چگونه بود؟**
مخالفان مخالفان حکومت پهلوی را دسته‌بندی نمی‌کردند. چند دسته بودند؛ یک دسته افراطی بود که رویکرد ملی نداشتند؛ این افراد با لیبرال مسکن و با داری رویکرد مذهبی‌تر بودند. نمایان‌ترین‌ها لیبرال‌در چاه‌چوب امنیت جبهه ملی تعریف می‌شدند. مانند آقاخان آنتی‌انجلیسی. «دل‌خام‌ها» همان‌ها یعنی امامی، لاری، گریش‌های مذهبی، رنگرنگی‌داشتند که از اهداف نهجست آزادی‌بخش می‌بودند؛ این‌ها منهدس بازگان، آقاي طالقانی، آقاي حاج‌محمدی طیف‌بلندی اسلام‌گراها، تمام ما یک جامعه‌ست‌داشتیم. جامعه‌ای مسلمان

که شاه، اقدامات و راه‌های غیر مذهبی حکومت و شخص شاه بودند. به گزارش‌های اسواک از آن‌دهه که در جریان جشن نوروز، ساواکی‌ها به برگزاری جشن هنری معترض بودند می‌گفتند: جشن او را شاهد چنین فعالیت‌هایی مانند هنرهای گراکنی و پرداختن به مسائل جنسی نیست، چه برسد به کشوری که مسلمانان شکی ندارد و این‌ها باعث حساسیت و مخالفت گروه‌های مذهبی شد.

# نگاهی به کارنامه پهلوی

رضایت در باطن او مشاهده می‌شود.»

و دربارهٔ نفت نیز گفته بود:

۶۶ دی ماه ۱۳۵۷ در تاریخ ایران، یادآور حادثه‌ای است که خبر از وقوع یک تحول بزرگ در منطقه نظام بین‌المللی داد؛ اقدامی که برای اولین‌بار کرد ایران در آستانهٔ دروازه تمدن قرار داد و معتقد بود پدیدهٔ تلاش برای استقلال نایب‌تکاملی که ایران را کشورهای غربی برابر است، اما نه در برابر اُلُتات برتری ایران نسبت به سایر کشورهای بود و نه‌فایدهٔ مجبور شد خود را خوار کند. محمدرضا پهلوی به مدت ۳۳ سال بر ایران حاکم بود و ۲۵ سال به‌صورت قدرت مطلقه و درنهایت استبداد، حکومت کرد و تمام تاریخ معاصر را در سایهٔ او گذراند. بنابراین، بررسی اوضاع ایران، پیوسته در دوره شاه پهلوی، می‌تواند از ژوئیهٔ سستیا خوبیی از تاریخ معاصر او باشد. در این سیاهه، به اختصار گوشه‌ای از عملکرد پهلوی دوم مردم‌پروری قرار گرفته که تا حدودی مثبت یا منفی بودن کارنامه ۳۷ سال سلطنت محمدرضا شاه بر ملت ایران نمایان شود.

یکی از مهم‌ترین مسائل برای مردم، مسئلهٔ معیشت و اقتصاد است. دربارهٔ تاکنار آمدنری پهلوی در حوزهٔ رفاه، گفته‌اند که نانی کافی است این نکتهٔ اثبات شده که معیشتان کارشناسان، تاکنار آسانی اقتصادی و به‌عنوان یکی از علل اصلی سقوط محمدرضا پهلوی نام می‌برند. پس از اینکه محمدرضا پهلوی بر امور کشور مسلط شد، بدون توجه به جهت‌گیری‌های فرهنگی، امکانات و ظرفیت‌ها، دست به برنامه‌ریزی‌های برنامه‌ریزی رده: شاهانه که پس از چند سال آغاز افزایش قیمت نفت و به تبع آن افزایش درآمد نفتی ایران و در فریب کارشناسان و برنامه‌های دقیق اقتصادی ایران زاید و بی‌فایده‌مانند نظیر تورم و یکبارگی بر ملت ایران تحمیل کرد. در این زمینه، فریدون هویدا، سفیر شرق به سازمان ملل، بی‌برنامه‌سازی‌ها را عامل همه‌بختی‌ها می‌داند و می‌گوید: «[شاه] به فرآیند اقتصادی می‌اندیشید و نه به عواقب افزایش ناآمنانهی قدرت خرید در جامعهٔ شهری نخبان شد. در عرض چند سال، بودجه کشور از ۲ میلیارد دلار به ۵۰ میلیارد دلار رساندند و متعاقب آن نیز تورم به‌وجود آمد که بهیچ‌از آن واقع‌غیرقابل اجتناب بود.»

این مسئله چنان شرایط ناگوار را در دهه ۱۳۵۰ در کشور پدید آورد که براساس آمار بانک جهانی در ۶۱ درصد مردم ایران در ۱۳۵۶ زیر خط فقر به سر می‌رفتند و نیز بر اساس تحقیقات صورت‌گرفته، ۱٫۲ درصد از فقرای ایران در سال ۱۳۵۱ نیز در سطح معیشتی متوسط‌گرفته، ۱٫۲ درصد از فقرای ایران در سال ۱۳۵۱ نیز در سطح معیشتی متوسط به سر می‌رفتند. براساس گزارش‌های ساواک، شریف امامی نیز از آغاز اردیبهشت ۱۳۵۶ در محافل خصوصی از وضعیت کشور انتقاد می‌کرد: «من اوضاع را خیلی بد می‌بینم. تمام مردم در حال فقیرانه هستند. من که همه چیز را دارم می‌بینم و وضع به نحوی است که شخص وقتی به خود می‌اندیشد، قدم می‌داند.»

درباره شاخص‌ترین، بزرگ‌ترین و معروف‌ترین، می‌توان به امام خمینی (ره) اشاره کرد که به‌تدریج به‌عنوان یک مرجع تقلید شناخته‌شده گروه‌های اسلامی و غیراسلامی در آستانه پیروزی انقلاب او را به‌عنوان رهبر ملامت‌فراغ انقلاب ۲۸ مرداد شاه که شاه کمک نیروی خارجی می‌شد، نمایان کرد. تمام این موارد می‌شد حکومت پهلوی در سال‌های نخست یک حکومت اصلاح‌پذیر به‌نظر برسد. همچنین احساس می‌شد بسیاری از اقدامات را می‌توان توسط پارلمان و مجلس شورای ملی صورت داد؛ انتیاتیات هم می‌توانست در فضای آزادی بروز شود و نمایندگان مردم فعالیت‌هایشان را در سلطنت مشروطه انجام دهند. بدتدریج

که جایگاه محمدرضا ثابت شد، سلطنت مشروطه جای خود را به سلطنت مطلقه داد و همین امر یکی از دلایل محمدرضا شاه پهلوی به‌عنوان اسلامی بود و منطقه‌مطلق جود وجود دارد؛ یک واقعه که مرتباً به بعد از کودتای ۲۸ مرداد شاه که شاه کمک نیروی خارجی می‌شد، به‌عنوان مختلف مردم‌مدت، سپس با قلع و قمع کردن سیستم کار را آغاز کرد. در ۱۵ مرداد ۱۳۲۲ که هیچ‌یز و ظهوری در معنی مبارزه مسلحانه از سوی مردم وجود نداشت، اما شاه با دستور بازگدن در دادگاه نظامی خود می‌گوید: «ما آخرین گروهی هستیم که با شما در چهارچوب قانون اساسی مبارزه می‌کنیم.» با آن مقلعی به بعد، برای محمدرضا شاه تقویتی نداشت که گروه‌های مخالف حکومت چه کسانی در چه طیفی هستند. اتفاقاً شاه گروه‌های را خطرناک‌تر می‌دانست که معتقد بودند مبارزات باید مردمی و به دور از خشونت انجام شود. تمامی این مسائل جزو عوامل سقوط پهلوی محسوب می‌شود. شدت برخورد دستگاه امنیتی که با گذشت سال‌ها از حلقهٔ عمومی بخشی از مردم دچار فریب‌دهی و احساس می‌شد که فعالیت‌ها در یک فضای آزادی انجام می‌شد. همین‌که آزادی را نباید فقط به آزادی‌های فردی، شخصی و آزادی‌های حوزگی‌زنگی‌مکتب تعریف داد؛ بلکه آزادی سیاسی شامل حق انتقاد و حق انتصاب و استعفا پشیرت برخوردار است. بسیاری از برخوردها با روشنفکرها، نویسندگان و روحانیون صورت می‌گرفت که می‌توانستند با فعالیت‌ها در یک فضای آزادی انجام می‌شد. همین‌که آزادی را نباید فقط به آزادی‌های فردی، شخصی و آزادی‌های حوزگی‌زنگی‌مکتب تعریف داد؛ بلکه آزادی سیاسی شامل حق انتقاد و حق انتصاب و استعفا پشیرت برخوردار است. بسیاری از برخوردها با روشنفکرها، نویسندگان و روحانیون صورت می‌گرفت که می‌توانستند با فعالیت‌ها در یک فضای آزادی انجام می‌شد. همین‌که آزادی را نباید فقط به آزادی‌های فردی، شخصی و آزادی‌های حوزگی‌زنگی‌مکتب تعریف داد؛ بلکه آزادی سیاسی شامل حق انتقاد و حق انتصاب و استعفا پشیرت برخوردار است.

درباره شاخص‌ترین، بزرگ‌ترین و معروف‌ترین، می‌توان به امام خمینی (ره) اشاره کرد که به‌تدریج به‌عنوان یک مرجع تقلید شناخته‌شده گروه‌های اسلامی و غیراسلامی در آستانه پیروزی انقلاب او را به‌عنوان رهبر ملامت‌فراغ انقلاب ۲۸ مرداد شاه که شاه کمک نیروی خارجی می‌شد، نمایان کرد. تمام این موارد می‌شد حکومت پهلوی در سال‌های نخست یک حکومت اصلاح‌پذیر به‌نظر برسد. همچنین احساس می‌شد بسیاری از اقدامات را می‌توان توسط پارلمان و مجلس شورای ملی صورت داد؛ انتیاتیات هم می‌توانست در فضای آزادی بروز شود و نمایندگان مردم فعالیت‌هایشان را در سلطنت مشروطه انجام دهند. بدتدریج

که جایگاه محمدرضا ثابت شد، سلطنت مشروطه جای خود را به سلطنت مطلقه داد و همین امر یکی از دلایل محمدرضا شاه پهلوی به‌عنوان اسلامی بود و منطقه‌مطلق جود وجود دارد؛ یک واقعه که مرتباً به بعد از کودتای ۲۸ مرداد شاه که شاه کمک نیروی خارجی می‌شد، به‌عنوان مختلف مردم‌مدت، سپس با قلع و قمع کردن سیستم کار را آغاز کرد. در ۱۵ مرداد ۱۳۲۲ که هیچ‌یز و ظهوری در معنی مبارزه مسلحانه از سوی مردم وجود نداشت، اما شاه با دستور بازگدن در دادگاه نظامی خود می‌گوید: «ما آخرین گروهی هستیم که با شما در چهارچوب قانون اساسی مبارزه می‌کنیم.» با آن مقلعی به بعد، برای محمدرضا شاه تقویتی نداشت که گروه‌های مخالف حکومت چه کسانی در چه طیفی هستند. اتفاقاً شاه گروه‌های را خطرناک‌تر می‌دانست که معتقد بودند مبارزات باید مردمی و به دور از خشونت انجام شود. تمامی این مسائل جزو عوامل سقوط پهلوی محسوب می‌شود. شدت برخورد دستگاه امنیتی که با گذشت سال‌ها از حلقهٔ عمومی بخشی از مردم دچار فریب‌دهی و احساس می‌شد که فعالیت‌ها در یک فضای آزادی انجام می‌شد. همین‌که آزادی را نباید فقط به آزادی‌های فردی، شخصی و آزادی‌های حوزگی‌زنگی‌مکتب تعریف داد؛ بلکه آزادی سیاسی شامل حق انتقاد و حق انتصاب و استعفا پشیرت برخوردار است. بسیاری از برخوردها با روشنفکرها، نویسندگان و روحانیون صورت می‌گرفت که می‌توانستند با فعالیت‌ها در یک فضای آزادی انجام می‌شد. همین‌که آزادی را نباید فقط به آزادی‌های فردی، شخصی و آزادی‌های حوزگی‌زنگی‌مکتب تعریف داد؛ بلکه آزادی سیاسی شامل حق انتقاد و حق انتصاب و استعفا پشیرت برخوردار است.

درباره شاخص‌ترین، بزرگ‌ترین و معروف‌ترین، می‌توان به امام خمینی (ره) اشاره کرد که به‌تدریج به‌عنوان یک مرجع تقلید شناخته‌شده گروه‌های اسلامی و غیراسلامی در آستانه پیروزی انقلاب او را به‌عنوان رهبر ملامت‌فراغ انقلاب ۲۸ مرداد شاه که شاه کمک نیروی خارجی می‌شد، نمایان کرد. تمام این موارد می‌شد حکومت پهلوی در سال‌های نخست یک حکومت اصلاح‌پذیر به‌نظر برسد. همچنین احساس می‌شد بسیاری از اقدامات را می‌توان توسط پارلمان و مجلس شورای ملی صورت داد؛ انتیاتیات هم می‌توانست در فضای آزادی بروز شود و نمایندگان مردم فعالیت‌هایشان را در سلطنت مشروطه انجام دهند. بدتدریج

که جایگاه محمدرضا ثابت شد، سلطنت مشروطه جای خود را به سلطنت مطلقه داد و همین امر یکی از دلایل محمدرضا شاه پهلوی به‌عنوان اسلامی بود و منطقه‌مطلق جود وجود دارد؛ یک واقعه که مرتباً به بعد از کودتای ۲۸ مرداد شاه که شاه کمک نیروی خارجی می‌شد، به‌عنوان مختلف مردم‌مدت، سپس با قلع و قمع کردن سیستم کار را آغاز کرد. در ۱۵ مرداد ۱۳۲۲ که هیچ‌یز و ظهوری در معنی مبارزه مسلحانه از سوی مردم وجود نداشت، اما شاه با دستور بازگدن در دادگاه نظامی خود می‌گوید: «ما آخرین گروهی هستیم که با شما در چهارچوب قانون اساسی مبارزه می‌کنیم.» با آن مقلعی به بعد، برای محمدرضا شاه تقویتی نداشت که گروه‌های مخالف حکومت چه کسانی در چه طیفی هستند. اتفاقاً شاه گروه‌های را خطرناک‌تر می‌دانست که معتقد بودند مبارزات باید مردمی و به دور از خشونت انجام شود. تمامی این مسائل جزو عوامل سقوط پهلوی محسوب می‌شود. شدت برخورد دستگاه امنیتی که با گذشت سال‌ها از حلقهٔ عمومی بخشی از مردم دچار فریب‌دهی و احساس می‌شد که فعالیت‌ها در یک فضای آزادی انجام می‌شد. همین‌که آزادی را نباید فقط به آزادی‌های فردی، شخصی و آزادی‌های حوزگی‌زنگی‌مکتب تعریف داد؛ بلکه آزادی سیاسی شامل حق انتقاد و حق انتصاب و استعفا پشیرت برخوردار است. بسیاری از برخوردها با روشنفکرها، نویسندگان و روحانیون صورت می‌گرفت که می‌توانستند با فعالیت‌ها در یک فضای آزادی انجام می‌شد. همین‌که آزادی را نباید فقط به آزادی‌های فردی، شخصی و آزادی‌های حوزگی‌زنگی‌مکتب تعریف داد؛ بلکه آزادی سیاسی شامل حق انتقاد و حق انتصاب و استعفا پشیرت برخوردار است.

**مخالفان امنیتی خود را چگونه با مخالفان، درنهایت دستگ‌های امنیتی خود شنود و انقلاب به وقوع پیوست؟**

هنه مرکزی حکومت، اقتدارگرایی و به‌کارگیری زور بود. همان‌طور که در واقع ۱۵ مرداد، خاکبش با شش‌اُهین برخورد کرد. امروز بسیاری از پژوهشگران حوزهٔ انقلاب معتقد هستند محمدرضا پهلوی به‌علافت پیادری، در تمام دوران حکومتش، به‌خصوص در دههٔ ۱۹۵۳ (مرداد) بود؛ زمانی که سازمان اطلاعات مرکزی ایالات متحده (CIA)

برای بازنگری شاه برای بازگرداندن او به‌کارگیری می‌شد. در دههٔ ۱۹۵۳ (مرداد) بود؛ زمانی که سازمان اطلاعات مرکزی ایالات متحده (CIA) برای بازنگری شاه برای بازگرداندن او به‌کارگیری می‌شد. در دههٔ ۱۹۵۳ (مرداد) بود؛ زمانی که سازمان اطلاعات مرکزی ایالات متحده (CIA) برای بازنگری شاه برای بازگرداندن او به‌کارگیری می‌شد. در دههٔ ۱۹۵۳ (مرداد) بود؛ زمانی که سازمان اطلاعات مرکزی ایالات متحده (CIA) برای بازنگری شاه برای بازگرداندن او به‌کارگیری می‌شد.

در دورهٔ ۱۵ مرداد، خاکبش با شش‌اُهین برخورد کرد. امروز بسیاری از پژوهشگران حوزهٔ انقلاب معتقد هستند محمدرضا پهلوی به‌علافت پیادری، در تمام دوران حکومتش، به‌خصوص در دههٔ ۱۹۵۳ (مرداد) بود؛ زمانی که سازمان اطلاعات مرکزی ایالات متحده (CIA) برای بازنگری شاه برای بازگرداندن او به‌کارگیری می‌شد. در دههٔ ۱۹۵۳ (مرداد) بود؛ زمانی که سازمان اطلاعات مرکزی ایالات متحده (CIA) برای بازنگری شاه برای بازگرداندن او به‌کارگیری می‌شد. در دههٔ ۱۹۵۳ (مرداد) بود؛ زمانی که سازمان اطلاعات مرکزی ایالات متحده (CIA) برای بازنگری شاه برای بازگرداندن او به‌کارگیری می‌شد. در دههٔ ۱۹۵۳ (مرداد) بود؛ زمانی که سازمان اطلاعات مرکزی ایالات متحده (CIA) برای بازنگری شاه برای بازگرداندن او به‌کارگیری می‌شد.

**ارموزی‌پوخی از گروه‌ها درلاش‌هستند نظام جمهوری اسلامی را مسرکوب قائل‌هستند. مسائلاتی بین‌همانی در حکومت‌پهلوی و نظام جمهوری اسلامی قابل‌هستند. مسائلاتی بین‌همانی در حکومت‌پهلوی و مخالفانش و حکومت جمهوری اسلامی یافتن می‌پسند؟**

درباره شاخص‌ترین، بزرگ‌ترین و معروف‌ترین، می‌توان به امام خمینی (ره) اشاره کرد که به‌تدریج به‌عنوان یک مرجع تقلید شناخته‌شده گروه‌های اسلامی و غیراسلامی در آستانه پیروزی انقلاب او را به‌عنوان رهبر ملامت‌فراغ انقلاب ۲۸ مرداد شاه که شاه کمک نیروی خارجی می‌شد، نمایان کرد. تمام این موارد می‌شد حکومت پهلوی در سال‌های نخست یک حکومت اصلاح‌پذیر به‌نظر برسد. همچنین احساس می‌شد بسیاری از اقدامات را می‌توان توسط پارلمان و مجلس شورای ملی صورت داد؛ انتیاتیات هم می‌توانست در فضای آزادی بروز شود و نمایندگان مردم فعالیت‌هایشان را در سلطنت مشروطه انجام دهند. بدتدریج

۱۷ ژانویه ۱۹۷۹ (۲۷ دی‌ماه ۱۳۵۷) یک روزبعد از فرار شاه از ایران، یوسف ابراهیم کارشناس ارشد خاورمیانه‌دروسسه‌نویسنه‌تاریخ‌نویزمبارداشتند در این روزنامه منتشر می‌کند که چرایی اعتراضات مردمی و فرار شاه می‌پردازد. ترجمه این مقاله می‌تواند نگاهی جدید و تحلیلی از سوی یک منبع معتبر جهانی به‌وقایع می‌تواند ارائه‌دهد که کشش قوی در تاریخ معاصر ایران داشته‌ند. نسل‌خوای به‌دلیل نامعنی استند است که زوایای مختلف تاریخ معاصر را به آن‌ها معرفی کند. ترجمه این نوشته امکان دسترسی به اطلاعات کمتر شناخته‌شده را فراهم می‌کند و فهم بهتری از تأثیرات این دوران بر جامعه امروز ارائه می‌دهد.
دوستان عزیز این نوشته می‌تواند به بازخوانی واقع‌گرایانه تاریخ و تحلیل بهتر وقایع تولید کمک کند.

دربار جشن باشکوه شب‌سسال نو در تهران، کمی پیش از یکسال پیش، رئیس‌جمهور کاتر ایران را به‌عنوان «جزیره‌ای از ثبات» ستود. او با بالا بردن چاه شراب خود، سال نوبه‌ای محمدرضا شاه پهلوی تریک گفت و اظهارداشت چنین ثباتی شاه‌های بزرگ از احترام، تحسین و عشق مردم شما به شاست. « اما همان‌طور که مشخص شد، شاه ۱۹۷۸ بدین روز سال در دوران ۳۸‌ساله حکومت شاه بود و اگر تقاضات مردم ادامه داشته باشد، این سال آخرین سال حکومت او بر تخت پادشاهی طاووس ایران خواهد بود. موانع متعددی که امروز رخ داد دومین‌باری استست که شاه ۵۹ ساله، هیلهٔ مجبور بود ترک‌گشته شده‌است. برخلاف خروج قلیی او در سال ۱۹۵۲ (مرداد) که شش‌هفت‌هفت روز طول کشید، این بار ممکن است ترک او برای همیشه باشد.

دربار جشن باشکوه شب‌سسال نو در تهران، کمی پیش از یکسال پیش، رئیس‌جمهور کاتر ایران را به‌عنوان «جزیره‌ای از ثبات» ستود. او با بالا بردن چاه شراب خود، سال نوبه‌ای محمدرضا شاه پهلوی تریک گفت و اظهارداشت چنین ثباتی شاه‌های بزرگ از احترام، تحسین و عشق مردم شما به شاست. « اما همان‌طور که مشخص شد، شاه ۱۹۷۸ بدین روز سال در دوران ۳۸‌ساله حکومت شاه بود و اگر تقاضات مردم ادامه داشته باشد، این سال آخرین سال حکومت او بر تخت پادشاهی طاووس ایران خواهد بود. موانع متعددی که امروز رخ داد دومین‌باری استست که شاه ۵۹ ساله، هیلهٔ مجبور بود ترک‌گشته شده‌است. برخلاف خروج قلیی او در سال ۱۹۵۲ (مرداد) که شش‌هفت‌هفت روز طول کشید، این بار ممکن است ترک او برای همیشه باشد.

دربار جشن باشکوه شب‌سسال نو در تهران، کمی پیش از یکسال پیش، رئیس‌جمهور کاتر ایران را به‌عنوان «جزیره‌ای از ثبات» ستود. او با بالا بردن چاه شراب خود، سال نوبه‌ای محمدرضا شاه پهلوی تریک گفت و اظهارداشت چنین ثباتی شاه‌های بزرگ از احترام، تحسین و عشق مردم شما به شاست. « اما همان‌طور که مشخص شد، شاه ۱۹۷۸ بدین روز سال در دوران ۳۸‌ساله حکومت شاه بود و اگر تقاضات مردم ادامه داشته باشد، این سال آخرین سال حکومت او بر تخت پادشاهی طاووس ایران خواهد بود. موانع متعددی که امروز رخ داد دومین‌باری استست که شاه ۵۹ ساله، هیلهٔ مجبور بود ترک‌گشته شده‌است. برخلاف خروج قلیی او در سال ۱۹۵۲ (مرداد) که شش‌هفت‌هفت روز طول کشید، این بار ممکن است ترک او برای همیشه باشد.

**بهایی‌که هزاران نفر با خود برداشته اند، در دوران شاه چه هزینه کردند تا بتوانند در سلطنت شاه باقی‌مانند؟**
مخالفان سلطنتی را نشان دهند. در تقاضات برچهارم در شهرهای بزرگ، کنگرهٔ مجلس کوچک‌های یازدها، در دانشگاه‌های گستردهٔ خرب، فریب خریداری و روستاهای کوچک، و حتی در کشورهای خارجی. این پیام بلندتر و واضح‌تر شد: باید بپرد. بسیاری، حتی می‌گفتند که او باید بپرد.

در دورهٔ ۱۵ مرداد، خاکبش با شش‌اُهین برخورد کرد. امروز بسیاری از پژوهشگران حوزهٔ انقلاب معتقد هستند محمدرضا پهلوی به‌علافت پیادری، در تمام دوران حکومتش، به‌خصوص در دههٔ ۱۹۵۳ (مرداد) بود؛ زمانی که سازمان اطلاعات مرکزی ایالات متحده (CIA) برای بازنگری شاه برای بازگرداندن او به‌کارگیری می‌شد. در دههٔ ۱۹۵۳ (مرداد) بود؛ زمانی که سازمان اطلاعات مرکزی ایالات متحده (CIA) برای بازنگری شاه برای بازگرداندن او به‌کارگیری می‌شد. در دههٔ ۱۹۵۳ (مرداد) بود؛ زمانی که سازمان اطلاعات مرکزی ایالات متحده (CIA) برای بازنگری شاه برای بازگرداندن او به‌کارگیری می‌شد.

اولین تجربه تلخ او در سیاست داخلی در ۱۹۵۱ رقم خورد، زمانی که نخست‌وزیر، دکتر محمد مصدق که یک چهرهٔ پارو بود، با نگرش منتقد مخالفانش تصمیم گرفت شاه را به‌جانش کشد و در کشور و فعالیت‌هایش را محدود کند. در نهایت، شاه در ۱۹۶۱ به دست آورده بود؛ پس از آنکه پدرش که به نازاری‌ها تبدیل داشت، توسط بریتانیا و روسیه مجبور به کناره‌گیری شد. شاه در ۱۹۶۱ تلاش ناموفق برای بازگرداندن قدرت خود داشت، ولی در نهایت تعاطف‌پذیر بود و از تجربه پدرش بی‌فایده گرفت. تلاش کرد ایران را از سلطهٔ نیروهای متفقین که بخش‌هایی از کشور را اشغال کرده بودند، بازگرداند.

اولین تجربه تلخ او در سیاست داخلی در ۱۹۵۱ رقم خورد، زمانی که نخست‌وزیر، دکتر محمد مصدق که یک چهرهٔ پارو بود، با نگرش منتقد مخالفانش تصمیم گرفت شاه را به‌جانش کشد و در کشور و فعالیت‌هایش را محدود کند. در نهایت، شاه در ۱۹۶۱ به دست آورده بود؛ پس از آنکه پدرش که به نازاری‌ها تبدیل داشت، توسط بریتانیا و روسیه مجبور به کناره‌گیری شد. شاه در ۱۹۶۱ تلاش ناموفق برای بازگرداندن قدرت خود داشت، ولی در نهایت تعاطف‌پذیر بود و از تجربه پدرش بی‌فایده گرفت. تلاش کرد ایران را از سلطهٔ نیروهای متفقین که بخش‌هایی از کشور را اشغال کرده بودند، بازگرداند.

اولین تجربه تلخ او در سیاست داخلی در ۱۹۵۱ رقم خورد، زمانی که نخست‌وزیر، دکتر محمد مصدق که یک چهرهٔ پارو بود، با نگرش منتقد مخالفانش تصمیم گرفت شاه را به‌جانش کشد و در کشور و فعالیت‌هایش را محدود کند. در نهایت، شاه در ۱۹۶۱ به دست آورده بود؛ پس از آنکه پدرش که به نازاری‌ها تبدیل داشت، توسط بریتانیا و روسیه مجبور به کناره‌گیری شد. شاه در ۱۹۶۱ تلاش ناموفق برای بازگرداندن قدرت خود داشت، ولی در نهایت تعاطف‌پذیر بود و از تجربه پدرش بی‌فایده گرفت. تلاش کرد ایران را از سلطهٔ نیروهای متفقین که بخش‌هایی از کشور را اشغال کرده بودند، بازگرداند.

اولین تجربه تلخ او در سیاست داخلی در ۱۹۵۱ رقم خورد، زمانی که نخست‌وزیر، دکتر محمد مصدق که یک چهرهٔ پارو بود، با نگرش منتقد مخالفانش تصمیم گرفت شاه را به‌جانش کشد و در کشور و فعالیت‌هایش را محدود کند. در نهایت، شاه در ۱۹۶۱ به دست آورده بود؛ پس از آنکه پدرش که به نازاری‌ها تبدیل داشت، توسط بریتانیا و روسیه مجبور به کناره‌گیری شد. شاه در ۱۹۶۱ تلاش ناموفق برای بازگرداندن قدرت خود داشت، ولی در نهایت تعاطف‌پذیر بود و از تجربه پدرش بی‌فایده گرفت. تلاش کرد ایران را از سلطهٔ نیروهای متفقین که بخش‌هایی از کشور را اشغال کرده بودند، بازگرداند.

اولین تجربه تلخ او در سیاست داخلی در ۱۹۵۱ رقم خورد، زمانی که نخست‌وزیر، دکتر محمد مصدق که یک چهرهٔ پارو بود، با نگرش منتقد مخالفانش تصمیم گرفت شاه را به‌جانش کشد و در کشور و فعالیت‌هایش را محدود کند. در نهایت، شاه در ۱۹۶۱ به دست آورده بود؛ پس از آنکه پدرش که به نازاری‌ها تبدیل داشت، توسط بریتانیا و روسیه مجبور به کناره‌گیری شد. شاه در ۱۹۶۱ تلاش ناموفق برای بازگرداندن قدرت خود داشت، ولی در نهایت تعاطف‌پذیر بود و از تجربه پدرش بی‌فایده گرفت. تلاش کرد ایران را از سلطهٔ نیروهای متفقین که بخش‌هایی از کشور را اشغال کرده بودند، بازگرداند.

اولین تجربه تلخ او در سیاست داخلی در ۱۹۵۱ رقم خورد، زمانی که نخست‌وزیر، دکتر محمد مصدق که یک چهرهٔ پارو بود، با نگرش منتقد مخالفانش تصمیم گرفت شاه را به‌جانش کشد و در کشور و فعالیت‌هایش را محدود کند. در نهایت، شاه در ۱۹۶۱ به دست آورده بود؛ پس از آنکه پدرش که به نازاری‌ها تبدیل داشت، توسط بریتانیا و روسیه مجبور به کناره‌گیری شد. شاه در ۱۹۶۱ تلاش ناموفق برای بازگرداندن قدرت خود داشت، ولی در نهایت تعاطف‌پذیر بود و از تجربه پدرش بی‌فایده گرفت. تلاش کرد ایران را از سلطهٔ نیروهای متفقین که بخش‌هایی از کشور را اشغال کرده بودند، بازگرداند.

اولین تجربه تلخ او در سیاست داخلی در ۱۹۵۱ رقم خورد، زمانی که نخست‌وزیر، دکتر محمد مصدق که یک چهرهٔ پارو بود، با نگرش منتقد مخالفانش تصمیم گرفت شاه را به‌جانش کشد و در کشور و فعالیت‌هایش را محدود کند. در نهایت، شاه در ۱۹۶۱ به دست آورده بود؛ پس از آنکه پدرش که به نازاری‌ها تبدیل داشت، توسط بریتانیا و روسیه مجبور به کناره‌گیری شد. شاه در ۱۹۶۱ تلاش ناموفق برای بازگرداندن قدرت خود داشت، ولی در نهایت تعاطف‌پذیر بود و از تجربه پدرش بی‌فایده گرفت. تلاش کرد ایران را از سلطهٔ نیروهای متفقین که بخش‌هایی از کشور را اشغال کرده بودند، بازگرداند.

اولین تجربه تلخ او در سیاست داخلی در ۱۹۵۱ رقم خورد، زمانی که نخست‌وزیر، دکتر محمد مصدق که یک چهرهٔ پارو بود، با نگرش منتقد مخالفانش تصمیم گرفت شاه را به‌جانش کشد و در کشور و فعالیت‌هایش را محدود کند. در نهایت، شاه در ۱۹۶۱ به دست آورده بود؛ پس از آنکه پدرش که به نازاری‌ها تبدیل داشت، توسط بریتانیا و روسیه مجبور به کناره‌گیری شد. شاه در ۱۹۶۱ تلاش ناموفق برای بازگرداندن قدرت خود داشت، ولی در نهایت تعاطف‌پذیر بود و از تجربه پدرش بی‌فایده گرفت. تلاش کرد ایران را از سلطهٔ نیروهای متفقین که بخش‌هایی از کشور را اشغال کرده بودند، بازگرداند.

بازخوانی یادداشت تحلیلی یوسف ابراهیم، کارشناس ارشد خاورمیانه مؤسسه نیویورک تایمز پس از فرار شاه

# سال‌ها حکومت استبدادی شاه، ایران را به انقلاب کشاند

مخفی، معروف به ساواک (نام اختصاری سازمان اطلاعات و امنیت کشور) نفوذ کردند؛ روزنامه‌ها، رادیو و تلویزیون تحت‌نظارت دقیق و سانسور قرار داشتند. انتحادهای کارگری به ازراهای مطبوع‌زیرمیل تبدیل شدند و فعالیت احزاب سیاسی، به‌جز احزاب رسمی ممنوع بود.

تمام اشکال مخالفت سیاسی به‌طور بی‌رحمانه سرکوب می‌شدند و کسانی که نظارت مخالفی ابراز می‌کردند یا حتی اندکی از شاه و سیاست‌های او انتقاد می‌کردند در معرض دستگیری‌های خوسرانه و شکنجه قرار می‌گرفتند. در بسیاری موارد این افراد نابیند می‌شدند.

### یک ملت پیروز

تخت حکومت محمدرضا پهلوی که رسانه‌ها او را به مردم به‌عنوان «شاهنشاه» (شاهنشاهان) و «آریامپور» (نور آریایی‌ها) معرفی می‌کردند، این‌ها در نگاه بسیاری از مردم داخل و خارج از کشور به‌عنوان یک ملت ۳۹ میلیون‌پرویی شناخته می‌شد. اقتدارگرایی‌شده به‌نظر می‌رسید؛ از اعضای شتات می‌گیرد که سخنگوری حکومت او برای تغییر یک کشور به‌عنوان‌عده ضروری است. در مصاحبه‌های شگفت‌انگیز و آشکارانه در سال ۱۹۷۷ با خبرنگار ایتالیایی، اورینا فالچی، گفت: «باور کنید، وقتی سه‌چهارم یک ملت نمی‌داند چگونه چگونه بخواند یا بنویسد، تنها با سخنرینن اقتدارگرایی می‌توانید اصلاحات ایجاد کنید و گرنه به هیچ‌جا نمی‌رسید.»

تخت حکومت محمدرضا پهلوی که رسانه‌ها او را به مردم به‌عنوان «شاهنشاه» (شاهنشاهان) و «آریامپور» (نور آریایی‌ها) معرفی می‌کردند، این‌ها در نگاه بسیاری از مردم داخل و خارج از کشور به‌عنوان یک ملت ۳۹ میلیون‌پرویی شناخته می‌شد. اقتدارگرایی‌شده به‌نظر می‌رسید؛ از اعضای شتات می‌گیرد که سخنگوری حکومت او برای تغییر یک کشور به‌عنوان‌عده ضروری است. در مصاحبه‌های شگفت‌انگیز و آشکارانه در سال ۱۹۷۷ با خبرنگار ایتالیایی، اورینا فالچی، گفت: «باور کنید، وقتی سه‌چهارم یک ملت نمی‌داند چگونه چگونه بخواند یا بنویسد، تنها با سخنرینن اقتدارگرایی می‌توانید اصلاحات ایجاد کنید و گرنه به هیچ‌جا نمی‌رسید.»

تخت حکومت محمدرضا پهلوی که رسانه‌ها او را به مردم به‌عنوان «شاهنشاه» (شاهنشاهان) و «آریامپور» (نور آریایی‌ها) معرفی می‌کردند، این‌ها در نگاه بسیاری از مردم داخل و خارج از کشور به‌عنوان یک ملت ۳۹ میلیون‌پرویی شناخته می‌شد. اقتدارگرایی‌شده به‌نظر می‌رسید؛ از اعضای شتات می‌گیرد که سخنگوری حکومت او برای تغییر یک کشور به‌عنوان‌عده ضروری است. در مصاحبه‌های شگفت‌انگیز و آشکارانه در سال ۱۹۷۷ با خبرنگار ایتالیایی، اورینا فالچی، گفت: «باور کنید، وقتی سه‌چهارم یک ملت نمی‌داند چگونه چگونه بخواند یا بنویسد، تنها با سخنرینن اقتدارگرایی می‌توانید اصلاحات ایجاد کنید و گرنه به هیچ‌جا نمی‌رسید.»

تخت حکومت محمدرضا پهلوی که رسانه‌ها او را به مردم به‌عنوان «شاهنشاه» (شاهنشاهان) و «آریامپور» (نور آریایی‌ها) معرفی می‌کردند، این‌ها در نگاه بسیاری از مردم داخل و خارج از کشور به‌عنوان یک ملت ۳۹ میلیون‌پرویی شناخته می‌شد. اقتدارگرایی‌شده به‌نظر می‌رسید؛ از اعضای شتات می‌گیرد که سخنگوری حکومت او برای تغییر یک کشور به‌عنوان‌عده ضروری است. در مصاحبه‌های شگفت‌انگیز و آشکارانه در سال ۱۹۷۷ با خبرنگار ایتالیایی، اورینا فالچی، گفت: «باور کنید، وقتی سه‌چهارم یک ملت نمی‌داند چگونه چگونه بخواند یا بنویسد، تنها با سخنرینن اقتدارگرایی می‌توانید اصلاحات ایجاد کنید و گرنه به هیچ‌جا نمی‌رسید.»

تخت حکومت محمدرضا پهلوی که رسانه‌ها او را به مردم به‌عنوان «شاهنشاه» (شاهنشاهان) و «آریامپور» (نور آریایی‌ها) معرفی می‌کردند، این‌ها در نگاه بسیاری از مردم داخل و خارج از کشور به‌عنوان یک ملت ۳۹ میلیون‌پرویی شناخته می‌شد. اقتدارگرایی‌شده به‌نظر می‌رسید؛ از اعضای شتات می‌گیرد که سخنگوری حکومت او برای تغییر یک کشور به‌عنوان‌عده ضروری است. در مصاحبه‌های شگفت‌انگیز و آشکارانه در سال ۱۹۷۷ با خبرنگار ایتالیایی، اورینا فالچی، گفت: «باور کنید، وقتی سه‌چهارم یک ملت نمی‌داند چگونه چگونه بخواند یا بنویسد، تنها با سخنرینن اقتدارگرایی می‌توانید اصلاحات ایجاد کنید و گرنه به هیچ‌جا نمی‌رسید.»

تخت حکومت محمدرضا پهلوی که رسانه‌ها او را به مردم به‌عنوان «شاهنشاه» (شاهنشاهان) و «آریامپور» (نور آریایی‌ها) معرفی می‌کردند، این‌ها در نگاه بسیاری از مردم داخل و خارج از کشور به‌عنوان یک ملت ۳۹ میلیون‌پرویی شناخته می‌شد. اقتدارگرایی‌شده به‌نظر می‌رسید؛ از اعضای شتات می‌گیرد که سخنگوری حکومت او برای تغییر یک کشور به‌عنوان‌عده ضروری است. در مصاحبه‌های شگفت‌انگیز و آشکارانه در سال ۱۹۷۷ با خبرنگار ایتالیایی، اورینا فالچی، گفت: «باور کنید، وقتی سه‌چهارم یک ملت نمی‌داند چگونه چگونه بخواند یا بنویسد، تنها با سخنرینن اقتدارگرایی می‌توانید اصلاحات ایجاد کنید و گرنه به هیچ‌جا نمی‌رسید.»

تخت حکومت محمدرضا پهلوی که رسانه‌ها او را به مردم به‌عنوان «شاهنشاه» (شاهنشاهان) و «آریامپور» (نور آریایی‌ها) معرفی می‌کردند، این‌ها در نگاه بسیاری از مردم داخل و خارج از کشور به‌عنوان یک ملت ۳۹ میلیون‌پرویی شناخته می‌شد. اقتدارگرایی‌شده به‌نظر می‌رسید؛ از اعضای شتات می‌گیرد که سخنگوری حکومت او برای تغییر یک کشور به‌عنوان‌عده ضروری است. در مصاحبه‌های شگفت‌انگیز و آشکارانه در سال ۱۹۷۷ با خبرنگار ایتالیایی، اورینا فالچی، گفت: «باور کنید، وقتی سه‌چهارم یک ملت نمی‌داند چگونه چگونه بخواند یا بنویسد، تنها با سخنرینن اقتدارگرایی می‌توانید اصلاحات ایجاد کنید و گرنه به هیچ‌جا نمی‌رسید.»

**نیازهای گسترده‌هزاران برآورده‌نشده**
اگرچه حکومت‌ها و رویکردهای غربی در دوران شاه، با نیازتشدت به نیازهای کمبودزنان پاسخ داد. برای کسانی که زمین دربرداشت کردند، حمایت مالی بسیار اندک و آب و برای آبیاری کمبود بود. حرای ژان که در غیاب انتخابات آزاد امزی می‌گرفتند، وقتی اعتراض روحانیون نامزد زد، زیرا این اقدام را تلاشی برای نابودی نهادهای مذهبی و معنای با روح اسلام می‌دانستند.

تخت حکومت محمدرضا پهلوی که رسانه‌ها او را به مردم به‌عنوان «شاهنشاه» (شاهنشاهان) و «آریامپور» (نور آریایی‌ها) معرفی می‌کردند، این‌ها در نگاه بسیاری از مردم داخل و خارج از کشور به‌عنوان یک ملت ۳۹ میلیون‌پرویی شناخته می‌شد. اقتدارگرایی‌شده به‌نظر می‌رسید؛ از اعضای شتات می‌گیرد که سخنگوری حکومت او برای تغییر یک کشور به‌عنوان‌عده ضروری است. در مصاحبه‌های شگفت‌انگیز و آشکارانه در سال ۱۹۷۷ با خبرنگار ایتالیایی، اورینا فالچی،